

رویکرد رکن حل و فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی در تفسیر

حقوق مالکیت معنوی با تأکید بر رویه قضایی

علی کمیلی‌پور^۱

لیلا رئیسی^۲

مسعود راعی^۳

چکیده

زمینه و هدف: تفاوت درک کشورها از حقوق مالکیت معنوی، بروز اختلافات در رکن حل و فصل اختلافات این سازمان و ابهامات در برداشت از مواد موافقت‌نامه تریپس لزوم تبیین معیارهای تفسیر در حقوق مالکیت معنوی را مطرح می‌کند. در واقع بهره‌مندی از ساختاری انسجام یافته و شیوه‌های کاری کارآمد، جامعه بین‌المللی را که هیچ وقت چنین وضعی را در حوزه حل و فصل اختلافات ناشی از اجرای مقررات بین‌المللی حقوق مالکیت معنوی تجربه نکرده بود، دچار تحول عظیمی نموده است. هدف ما در این تحقیق، تبیین نمودن رکن حل و فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی در تفسیر حقوق مالکیت معنوی می‌باشد.

روش: این تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی و به روش کتابخانه‌ای و با ابزار

فیش‌برداری از کتب و مقالات معتبر تهیه و تدوین گردیده است.

۱. دانشجوی دکتری رشته حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده علوم انسانی و حقوق، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

۲. دانشیار گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده علوم انسانی و حقوق، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. (نویسنده مسؤول)
Email: raisi.leila@gmail.com

۳. دانشیار گروه حقوق، دانشکده حقوق و الهیات، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

یافته‌ها: یافته‌ها حاکی از این است که رکن حل فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی با توسل به کنوانسیون حقوق معاهدات (۱۹۶۹ م.)، به عنوان سندی مادر در کنار دیگر روش‌ها، به طور منظم جهت تفسیر موافقت‌نامه‌های تحت پوشش سازمان تجارت جهانی استفاده نموده است.

ملاحظات اخلاقی: از ابتدا تا انتهای مقاله اصول اخلاقی، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

نتیجه‌گیری: این شیوه نظام‌مند و منسجم به حل و فصل اختلافات در عرصه بین‌المللی خاصه در تفسیر مالکیت معنوی کمک شایانی داشته است، شناسایی شیوه تفسیر مرجع حل اختلاف سازمان تجارت جهانی توانسته است، رهنمود مناسبی برای کشورها در استحکام هرچه بیشتر قوانین، در گام اول برای پیشگیری از بروز هر اختلاف و در صورت بروز کشمکش، در گام بعدی، بالابردن پتانسیل موفقیت در مرجع حل اختلاف باشد.

واژگان کلیدی

حل و فصل اختلافات، سازمان تجارت جهانی، حقوق مالکیت فکری، رویه قضایی، تفسیر

مقدمه

نقشی که حقوق بین‌الملل عمومی در تفسیر موافقت‌نامه سازمان تجارت جهانی ایفا می‌کند، موضوع مباحثات شدیدی مابین حقوقدانان بوده است با وجود تنوع نظرات، دقیق‌ترین دیدگاه به نظر می‌رسد نظریه‌ایست که وفق آن توافق‌نامه‌های تحت پوشش سازمان تجارت جهانی باید مطابق با قواعد ارائه‌شده توسط حقوق بین‌الملل عمومی، تفسیر شوند، اما در این بین برخی دیدگاه‌های جدیدتر رکن حل و فصل اختلافات، مؤید مطلب دیگری نیز هست، آنچنانکه در کنار استناد به کنوانسیون حقوق معاهدات به دنبال پیروی از رویه قضایی پیشین و استناد به اسناد مورد تأیید موافقت‌نامه تریپس در تفسیر دعاوی می‌باشد که خود نوعی ابداع جدید است، حال اگر نگاهی به گذشته داشته باشیم، درباره تفسیر، گات یا موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت ۱۹۴۷ فاقد قواعد تفسیری نسبت به نحوه تفسیر مواد آن بود، با این وجود توافقی غیر رسمی در بین اعضای آن وجود داشت مبنی بر این که تنها طرف‌های متعاهد سند فوق، یعنی تنها دول عضو آن به طور مشترک مجاز به تفسیر مواد آن بودند. همین‌طور در طول سال‌های حیات «گات» (۱۹۴۷ م.) هیأت‌های رسیدگی در خلال رسیدگی به اختلافات دول عضو آن، مجموعه‌ای از رویه‌های قضایی را در مورد تفسیر مواد آن توسعه دادند که ناشی از تفاسیر ضمنی آن‌ها در مورد مواد «گات» بود (آقایی، ۱۳۹۲ ش.)، اما موافقت‌نامه تشکیل سازمان جهانی تجارت - موافقت‌نامه مراکش - به طور صریح دارای قواعد تفسیری راجع به تفسیر موافقت‌نامه‌های این سازمان است. پاراگراف ۲ ماده ۹ موافقت‌نامه مراکش، یعنی سند تأسیس این سازمان، ضمن بیان قواعد تصمیم‌گیری در این سازمان، قواعدی را نیز در مورد تفسیر موافقت‌نامه‌های آن بیان کرده است، بدان معنی که تصمیم درباره تفسیر

موافقت‌نامه‌های این سازمان تنها بر اساس حداقل ۳/۴ آرای دول عضو و در صلاحیت کنفرانس وزیران و شورای عمومی آن می‌باشد (کمیلی، ۱۳۹۴ ش.). کنفرانس وزیران و شورای عمومی نیز برای تفسیر موافقت‌نامه‌های چندجانبه تجاری در حوزه‌های تجارت حقوق مالکیت فکری، منطبق با شورای حقوق مالکیت فکری تصمیم‌گیری می‌نمایند و آنچنانکه خواهیم دید با روشی توصیفی و تحلیلی و از مجرای رویه قضایی به تعریف و بررسی تفسیر و نحوه وقوع آن در مالکیت معنوی خواهیم پرداخت.

سؤال که ما در این تحقیق با آن مواجهه بودیم، این است که رکن حل و فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی چه نقشی در تفسیر دعاوی و مخصوصاً حقوق مالکیت معنوی دارد؟ فرضیه نگارنده آن است که این رکن سعی دارد با در نظر داشتن ابزارهای اصلی و فرعی تفسیر در این کنوانسیون و دیگر طرق مطرح در تفسیر، سعی در حل اختلافات در این باب داشته باشد، آنچنانکه سعی نمود با تعریف واژگان مبهم گامی مثبت در پیشگیری از بروز اختلافات در برخی پرونده‌ها داشته باشد.

الف - پیشینه تحقیق

سیدمحمدرضا رکنی دزفولی (۱۳۸۵ ش.) در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی تطبیقی مالکیت معنوی در حقوق ایران و سازمان تجارت جهانی» به این نتیجه رسیده‌اند که به طور کلی، در این مقاله به بررسی مالکیت معنوی پرداخته است و در پاسخگویی به این سوا برآمده است که نرم‌افزار اصولاً تحت چه قانونی حمایت شدنی است: قانون حمایت از آثار ادبی و هنری، قانون حمایت از اختراعات صنعتی و یا یک قانون جدید و مخصوص؟ در دهه ۷۰ برخی از حقوقدانان با

استناد به دلایلی، نرم‌افزار را به عنوان یک اثر ادبی تلقی کرده، آن را تحت قانون «حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان» مصوب سال ۱۳۴۸ می‌دانستند. مدت حمایت از حق پدیدآورنده و حمایت‌های قانونی دیگر ماده ۱۲ مدت استفاده از حقوق مادی پدیدآورنده موضوع این قانون که به موجب وصایت یا وراثت منتقل می‌شود، از تاریخ مرگ پدیدآورنده سی سال است و اگر وارثی وجود نداشته باشد یا بر اثر وصایت به کسی منتقل نشده باشد، برای همان مدت به منظور استفاده عمومی در اختیار وزارت فرهنگ و هنر قرار خواهد گرفت.»

ضرغام غریبی (۱۳۸۲ ش.) در مقاله‌ای تحت عنوان «روش‌های حل و فصل بین‌المللی اختلافات در حقوق مالکیت معنوی» به این نتیجه رسیده است که در این بررسی، در تبیین نظام حقوقی حل و فصل اختلاف در چارچوب «سازمان جهانی تجارت»، تأکید بیشتری شده است، زیرا که این نظام مهم و برجسته با برخورداری از ساختاری منسجم و روش‌های کاری کارآمد، جامعه بین‌المللی را که هرگز چنین وضعی را در حوزه حل و فصل اختلافات ناشی از اجرای مقررات بین‌المللی حقوق مالکیت معنوی تجربه نکرده بود، متحول ساخته است، البته این وضعیت بسیار خاص که امروزه نهادینه شده است، محصول ابتکار هیأت‌های مذاکره‌کننده کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه عضو «سازمان جهانی تجارت» در طی یک دوره ده ساله در اوروگوئه می‌باشد که بر اساس انگیزه‌های سیاسی و اقتصادی مقررات بعضی از موافقت‌نامه‌های چندجانبه بین‌المللی همانند «گات» را به حمایت از موضوعات مالکیت‌های معنوی پیوند زده و نظام حل و فصل اختلافات مربوط به آن موافقت‌نامه‌های اقتصادی را به حمایت بین‌المللی از حقوق مالکیت‌های معنوی تسری داده‌اند. بررسی مقررات و پروسه‌های آن نظام، هدف اصلی نگارنده در مقاله حاضر می‌باشد.»

حمید کامل (۱۳۸۹ ش.) در تحقیقی تحت عنوان «حل و فصل اختلافات تجاری بر مبنای رویه داوری سازمان جهانی تجارت WTO» به این نتیجه رسیده است که «از اصول بنیادی سازمان جهانی تجارت، حل و فصل اختلافات از طریق مشاوره و تبادل نظر، به جای رسیدگی‌های ترافیعی و قضایی است. موضوع اختلافات بین اعضای سازمان، معمولاً ناشی از تخلف از ترتیبات حل و فصل یا کاهش تعرفه‌ها است. نظام حل و فصل اختلاف در سازمان، مشتمل بر چهار مرحله است: در مرحله اول، در صورت بروز اختلاف بین اعضای سازمان، کشور مربوط درخواست مشورت می‌کند و سایر کشورهای عضو، باید ظرف ده روز وارد شور شوند و ظرف سی روز در خصوص موضوع اظهار نظر نمایند؛ در مرحله دوم، کشور متقاضی، می‌تواند درخواست کند که هیأت رسیدگی تشکیل شود؛ در مرحله سوم، چنانچه گزارش هیات مورد اعتراض باشد، می‌توان از آن استیناف خواست که به رکن تجدید نظر ارجاع می‌شود. رکن استیناف، بیشتر به جنبه‌های حقوقی موضوع می‌پردازد و باید ظرف نود روز، نظر خود را بدهد تا در رکن حل اختلاف مطرح شود. در صورت عدم اجرای تصمیم رکن تجدیدنظر، شورای عمومی، می‌تواند ضمانت‌های اجرایی را به صورت مجازات، علیه آن وضع و اعمال کند، مانند محرومیت بعضی از ترتیبات داخل گات، تعلیق امتیازات تعرفه‌ای یا سایر تعهدات عضو زیان‌دیده یا اجازه اقدامات تلافی‌آمیز علیه کشور خاطی که این روند در واقع مرحله چهارم نظام حل و فصل اختلاف در گات به شمار می‌رود.»

از جمله محدودیت‌های پژوهش عدم دسترسی به منابع و کتب مرجع در این خصوص می‌باشد.

ب- تفسیر مقررات موافقت‌نامه با رویه سازمان تجارت جهانی

هیأت‌های حل اختلاف، در پرونده‌های متعددی مقررات موافقت‌نامه‌ها را تفسیر کرده‌اند (ساعدی بناب، ۱۳۷۸ ش.). باید دانست که رویه معمول سازمان تجارت جهانی در تفسیر معاهدات، تفسیر تحت‌اللفظی است که ابتدا جهت تفسیر، قبل از هر عمل دیگر، به خود متن معاهده و به عبارت دیگر بررسی معنا و مفهوم عبارات و اصطلاحات مندرج در معاهده می‌باشد. کلیه مواد موافقت‌نامه مورد نظر یا حتی هر موافقت‌نامه مرتبط دیگر، علاوه بر موارد فوق‌الذکر مقدمه موافقت‌نامه گات ۱۹۴۷، موافقت‌نامه مؤسس سازمان تجارت جهانی یا همچنین مقدمه هر موافقت‌نامه‌ای، مانند موافقت‌نامه اقدامات حفاظتی می‌توانند در جستجوی یک معنا و مفهوم عبارت خاصی جزئی از سیاق محسوب شوند، لکن باید باید اذعان داشت که بررسی سیاق محدود عبارات نسبت به بررسی سیاق موسع آن اولویت دارد (بزرگی، ۱۳۹۴ ش.). نوع دیگر تفسیر بر اساس قصد و نیت طرفین می‌باشد آنگاه که در تلاش جهت دسترسی به قصد و نیت واقعی طرفین موافقت‌نامه هستیم به عنوان نمونه در پرونده حمایت از اختراعات دارنویی ما بین آمریکا و هند رکن استثنیافی موضوع انتظارات مشروع را که توسط هیأت رسیدگی در تفسیر موافقت‌نامه تریپس مورد استفاده قرار گرفته بود را مردود اعلام و اظهار نمود که انتظارات مشروع طرف‌های دعوی در متن و زبان معاهده بیان شده (میرزایی رضوان، ۱۳۹۴ ش.) از طرفی جهت درک قصد و نیت واقعی طرفین، منطبق با ماده ۳۲ کنوانسیون وین حقوق معاهدات این امر از طریق مراجعه به کارهای مقدماتی^۱ و شرایط و اوضاع و احوالی که معاهده در آن انعقاد یافته است یا از طریق مراجعه به عملکرد بعدی طرفین و یا موافقت‌نامه‌های بعدی (منفرد، ۱۳۹۴ ش.) که در ارتباط با قاعده مورد تفسیر منعقد شده است، به دست می‌آید،

اگرچه پنل‌ها و ارگان استیناف از ۱۹۹۵ به بعد در استفاده از کارهای مقدماتی در تفسیر موافقت‌نامه‌ها علاقه خاصی از خود نشان نمی‌دهند. همچنین لازم به ذکر است که در برخی از قضایا نهادهای حل اختلاف در تفسیر قواعد و مقررات مورد اختلاف عباراتی نظیر «شرایط و اوضاع و احوالی که معاهده در آن منعقد شده است» یا «شرایط و محیط تاریخی که معاهده در آن مورد مذاکره قرار گرفته است» به کار برده‌اند که نشانگر توجه آن‌ها به کارهای مقدماتی و طرفین اختلاف می‌باشد (عزیزی مادپور، ۱۳۹۱ ش.). آنچه‌آنکه در دعوی میان چین و آمریکا، رکن حل و فصل جهت تفسیر عبارت مقیاس تجاری به مذاکرات اولیه جهت تبیین قلمرو و مفهوم آن عبارت، مراجعه نمود، هرچند پنل نتوانست هیچ شرح و تفسیری از کلمه «در یک مقیاس تجاری» در مذاکرات ثبت‌شده تریپس بیابد (عزیزی ماد پور، ۱۳۹۱ ش.).

ج - تفسیر حقوق مالکیت معنوی بر اساس هدف سازنده

تفسیر بر اساس غایات هدف خالق و سازنده حق می‌باشد. بر این اساس قلمرو و مفهوم عبارات یک معاهده باید در پرتو موضوع و هدف آن ارزیابی گردد. این ایده که در ماده ۳۱ کنوانسیون وین حقوق معاهدات بدان اشاره شده است، در نظام حقوقی سازمان تجارت جهانی مسأله تعیین موضوع و هدف موافقت‌نامه‌ها یکی از مشکلات اساسی می‌باشد تا جایی که پاسخ به این مسأله که «اصول» بنیادین این نظام حقوقی چه اصولی هستند، هرگز پاسخ داده نشده است. نظرات اعضا در این خصوص و حتی نسبت به اصولی که ظاهراً بین اعضا پذیرفته شده‌اند، نظیر اصل «عدم تبعیض آ» به دلیل وجود برخی استثنائات توسط خود قواعد سازمان تجارت جهانی یا عملکرد متفاوتی که مورد تأیید قرار گرفته‌اند، متفاوت می‌باشد.

بنابراین پنل‌ها و ارگان استیناف در تفسیر مفهوم موضوع و هدف هر ماده یا موافقت‌نامه‌ای قصد دارند چه شیوه‌ای را به کار ببرند؟ به ویژه در حالتی که هیچ‌گونه دلالت خاصی بر وجود یک مفهوم خاص نیست، امریست مشکل. بنابراین آن‌ها می‌توانند در مواردی به منظور اجتناب و خودداری از این‌که عضوی مفهوم واقعی یک ماده را با رعایت مفهوم ظاهری آن تغییر ندهد، مبادرت به «تفسیر ذاتی» از یک ماده نمایند. پنل‌ها و ارگان استیناف همچنین می‌توانند در تفسیر خود از مقررات مورد اختلاف به ضابطه. اصل اثربخشی استناد جویند بدین معنی آنگاه که یک معاهده در معرض دو تفسیر است که موردی معاهده را قادر می‌سازد تا اثر مناسب داشته باشد و دیگری چنین اثری را ندارد، اصل حسن نیت و موضوع و هدف معاهده مقرر می‌کند، تفسیر اول پذیرفته شود (شکوهی‌زاده، ۱۳۹۵ ش.). وظیفه اعضای هیأت تجدید نظر و پنل‌ها روشن کردن معنای تعهدات قانونی و موجود سازمان تجارت جهانی است. برای اختراع تعهدات جدید و پاک کردن تعهدات موجود نیست (انصاری و حاجیان، ۱۳۹۱ ش.).

د - نقش رکن حل و فصل اختلافات در سازمان تجارت جهانی

رکن حل و فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی در تلاش خود جهت ساماندهی نظام حل و فصل اختلافات تازه تأسیس و برقراری تعادل میان چالش‌های تجاری و ملاحظات غیر تجاری به ویژه بهداشتی، فرهنگی و یا امور مربوط به محیط زیست، قطعاً هدف یکسانی را پیگیری نمی‌کند، لذا همان‌گونه که ارگان استیناف در مقدمه رأی خود در قضیه ژاپن - مشروبات الکلی اظهار داشته است، موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی همانند دیگر معاهدات

بین‌المللی محسوب شده و مورد تفسیر قرار می‌گیرند، اما نه مشابه معاهدات جامعه اروپا که شبیه به یک قانون اساسی واقعی می‌باشند.

مکانیزم مذکور در رکن حل و فصل اختلاف صلاحیت عام و الزام‌آور در رسیدگی به دعاوی مالکیت معنوی را داراست، این اختلافات فقط شامل اختلافات ناشی از اجرا یا تفسیر حقوق پیش‌بینی‌شده در تریپس نمی‌باشد، بلکه با توجه به این‌که موافقت‌نامه حل و فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی بیشتر کنوانسیون‌های مهم متضمن حقوق مالکیت فکری را دربر می‌گیرد، مکانیزم مذکور می‌تواند کلیه اختلافات ناشی از تفسیر یا اجرای حقوق مالکیت معنوی مورد حمایت در کنوانسیون‌های برن و تریپس را دربر بگیرد.^۳

رکن مزبور، در تفسیر موافقت‌نامه‌های سازمان، صرفاً از ادبیات گراماتیک و متنی بهره نمی‌جوید، بلکه اغلب تعاریف فرهنگ لغت‌ها یا معانی ساده کلمات را برمی‌گزیند و از معنای عادی واژگان بهره می‌جوید و سپس به معانی فرعی توجه می‌کند. به طور نمونه، در پرونده‌های ایالات متحده - گزوتیل و مشروبات الکلی ژاپن، به بحث حاشیه تفسیر که می‌بایست تحت نفوذ و مطابق هدف معاهده باشد، اشاره شد.

با این حال این نکته را باید در نظر داشت که اگر در تفسیر موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی یک رویکرد غایت‌مندانه از طرف مفسران مورد نظر قرار گیرد، بیشتر به منظور تحقق وحدت و یکپارچگی قواعد و مقررات در نظام تجاری چندجانبه می‌باشد

تأکید گسترده‌ای وجود دارد تا ارکان حل و فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی دعاوی را با نگاهی فورمالیستی بر مقررات تفسیر حل و فصل نمایند (صادقی و گلپایگانی، ۱۳۹۳ ش.). در اعلامیه دوحه با توجه به اعلامیه دوحه

انتظار می‌رود تفسیرهای آینده هیأت بسیار منعطف‌تر از تصمیم قضیه کانادا و اتحادیه اروپا باشد، چراکه یک نگرش صرفاً فورمالیستی نمی‌تواند با اهداف غایت‌گرایانه موافقت‌نامه تریپس در تطابق باشد (ون دام، ۲۰۱۰ م.). در زمینه تفسیر، پرونده محصولات دخانی استرالیا نیز فرصتی را فراهم می‌کند تا با توجه به هدف، تفسیر مبتنی بر متن موافقت‌نامه تریپس را مجدداً تأیید کند، مسلماً چنین تفسیری توسط معاهده وین هدایت و اجرا خواهد شد و شاید بتواند مقدمه‌ای باشد بر پایان تفسیر فرمالیستی و رهایی از ظاهرگرایی (صادقی و گلپایگانی، ۱۳۹۳ ش.). از طرف دیگر آنچه واضح است، این است که سازمان تجارت جهانی و رکن حل و فصل آن نمی‌تواند از طریق تفسیر بر حقوق و تعهدات مندرج در اسناد تحت پوشش خود بیافزاید یا از تعهدات آن بکاهد همچنین هیأت‌های تجدید نظر متذکر شده است که تفسیر معاهده نمی‌تواند فراتر از معنای روشن مفاد یک معاهده باشد. به عبارت دیگر نمی‌تواند به ایجاد قوانین جدید گسترش یابد

مشابه مطلب فوق پرونده‌ای در باب، مدت اعتبار پتنت یا حق اختراع می‌باشد. عمدتاً کشورها در تلاش هستند تا تریپس را به گونه‌ای تفسیر نمایند که اعضا در تبیین مدت مجاز بوده و مجبور به تبعیت از مهلت مشخصی نباشند. در پرونده شرایط حمایت از حق اختراع کشور کانادا، مد زمان کم‌تری را جهت حمایت در نظر داشت و پانل رسیدگی‌کننده در شکایت آمریکا علیه این کشور نظر داد که کشورهای عضو بر اساس ماده ۳۳ تریپس، نباید مدت اعتبار یک پتنت را کم‌تر از بیست سال قرار دهند (لستر، ۲۰۱۹ م.). همچنین در پرونده دیگری با عنوان اقدامات مؤثر بر خدمات اطلاعات مالی و عرضه‌کنندگان آن (کوئراکوس، ۲۰۱۰ م.) به منظور جلوگیری از بروز اختلاف مجدد مابین طرفین رکن حل اختلاف

اقدام به تفسیر اصطلاح سرویس اطلاعات بازرگانی نمود، اصطلاح «خدمات اطلاعات مالی» همانطور که در این یادداشت تفاهم استفاده شده است، خدماتی است که اطلاعاتی را تأمین می‌کند که می‌تواند بر بازارهای مالی و/یا داده‌های مالی تأثیر بگذارد (فرانکل، ۲۰۱۳ م.). در نهایت تفاسیر رکن حل اختلاف توسط هیأت‌ها و رکن استیناف، صرفاً بر طرفین دعوا و همان موضوع مورد اختلاف، الزام‌آور است، در حالی که «تفاسیر معتبر و مجاز که توسط کنفرانس وزیران و شورای عمومی انجام می‌شود، معتبر و برای تمام اعضا الزام‌آور است و بهتر است چنین تفاسیری از چنین مجاری مطرح شود تا شبه رأی وحدت رویه حاصل شود (لید، ۲۰۱۶ م.).

هـ - تفسیر بر مبنای کنوانسیون حقوق معاهدات وین

توافق‌نامه‌های تحت پوشش باید مطابق با قواعد ارائه‌شده توسط حقوق بین‌الملل عمومی، تفسیر شوند، دو دلیل این ادعا تأیید می‌شود: اول علیرغم این که مقررات سازمان تجارت جهانی شاخه خاصی از حقوق بین‌الملل عمومی؛ دوم در زمینه خاص تفسیر معاهده، ماده ۳.۲ حل اختلاف سازمان تجارت جهانی به شرح زیر است: «سیستم حل اختلاف سازمان تجارت جهانی به منظور حفظ حقوق و تعهدات اعضا تحت توافق‌نامه‌های تحت پوشش و شفاف‌سازی مفاد موجود این توافق‌نامه‌ها مطابق با قوانین عرفی از تفسیر حقوق بین‌الملل عمومی عمل می‌کند (کمیلی‌پور، ۱۳۹۴ ش.)، دلایل دوگانه‌ای وجود دارد: اول کنوانسیون معاهدات وین سندی است که به نحو ویژه، بر تفسیر معاهدات منعقدہ ما بین کشورها حاکم است؛ دوم همانطور که توسط هیأت استیناف در پرونده بنزین آمریکا تأیید شد، «قواعد عرفی تفسیر حقوق بین‌الملل عمومی» که در ماده ۳.۲ توافق‌نامه حل

اختلاف سازمان تجارت جهانی آن ذکر شده است، همان موارد کنوانسیون حقوق معاهدات وین می‌باشد. در این ارتباط، دو نکته دیگر را برجسته کنیم: اول حقیقت این مطلب که کنوانسیون یک معاهده است، مانع از معیارهای عرفی تفسیر آن نمی‌باشد. بنابراین جایی که یک کشور توافق‌نامه سازمان تجارت جهانی را تصویب نموده، اما کنوانسیون معاهدات وین را خیر، مانند پرونده آمریکا مانع اجرای این سند نیست، عملاً مواد ۳۱، ۳۲ و ۳۳ از کنوانسیون معاهدات وین ممکن است تحت عنوان تدوین - حقوق عرفی، استفاده شوند در این استدلال، در پرونده ژاپن - الکل پانل و هیأت استیناف به طور ضمنی هرگونه عدم قطعیت در مورد کاربرد کنوانسیون معاهدات وین برای اعضا غیر عضو را برطرف کردند، با بیان این که کنوانسیون تشکیل‌دهنده یک تدوین حقوق بین‌المللی عرفی می‌باشد. بنابراین در تفسیر موافقت‌نامه‌های مشمول سازمان تجارت جهانی، از جمله موافقت‌نامه تریپس، هیأت تجدید نظر، پیوسته به مقررات کنوانسیون وین در خصوص حقوق معاهدات، به عنوان منبع نخست تفسیر اسناد بین‌المللی استناد می‌کند، مانند پرونده هند حمایت حق ثبت از محصولات دارویی و شیمیایی که هیأت تجدید نظر ماده ۳۱ کنوانسیون وین در مورد حقوق معاهدات بین‌المللی را حاکم بر تفسیر موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی، از جمله موافقت‌نامه تریپس اعلام نمود. همچنین اعلام نمود این موافقت‌نامه‌ها نباید مجزای از حقوق بین‌الملل عمومی دیده شوند (مرکوریو، ۲۰۱۰ م.).

تفسیر در حقوق بین‌الملل سه بخش قرار می‌گیرد: ۱- ابزار اصلی یا اولیه اصلی تفسیر؛ ۲- ابزار ثانویه یا مکمل تفسیر؛ ۳- تعارض یا اختلاف در نسخه‌های یکسان و معتبر از موافقت‌نامه‌های تحت پوشش.

بند اول و دوم روش اصلی تفسیر این بخش هر یک از عناصر ماده ۳۱ کنوانسیون معاهدات وین را توصیف می‌کند، همانطور که توسط نهادهای تصمیم‌گیرنده سازمان تجارت جهانی اعمال می‌شوند. از سوی دیگر، اصول کلی حقوق بین‌الملل، مانند اصل حسن نیت^۴ و تناسب^۵. نیز به انحای مختلف در حقوق سازمان جهانی تجارت سازمان جهانی تجارت مطرح شده است، لذا نظر به عمومیت و پذیرش این اصول در جامعه بین‌المللی، احتمال بروز تعارض قواعد و مقررات، با اصول کلی حقوقی، بعید به نظر می‌رسد. بر این مبنا، با نگاهی به موافقت‌نامه‌های سازمان و در نظر گرفتن عباراتی نظیر «ضروری»، «تناسب» و «معقول» درمی‌یابیم که این واژگان، ملهم از اصل تناسب است که کلیت آن مورد پذیرش است و شاید بهترین کارکرد تفسیر، تبیین یک شبکه به هم وابسته از موافقت‌نامه‌هاست که هیأت‌ها و رکن استیناف را قادر می‌سازد، به بررسی بهتر ابعاد نقض و انطباق موضوع بر حکم پردازند (رایسی، ۲۰۱۰ م.). کنوانسیون معاهدات وین حسن نیت را تعریف نمی‌کند و تلاش برای تعریف این اصطلاح احتمالاً منجر به نتایج ناقص یا نادرست خواهد شد. با این حال، حسن نیت یک مفهوم معنی‌دار است. رومی‌ها گاهی اوقات حسن نیت را با حداکثر وفای به عهد خلاصه می‌کردند، یعنی برای رعایت آنچه مورد توافق قرار گرفته است. امروزه هنوز هم پذیرفته شده است که «حسن نیت یک اصل قانونی است که جزئی جدایی‌ناپذیر از قاعده وفای به عهد است» (مروات، ۲۰۱۵ م.). پیاده‌کردن اصل حسن نیت با قاعده وفای به عهد مطابق با ماده ۲۶ کنوانسیون معاهدات وین است که بر اساس آن، «[این] معاهده بسیار لازم برای طرفین آن الزام‌آور است و باید آن‌ها را با حسن نیت انجام دهند.» برای این که طرفین به تعهدات خود طبق معاهدات بین‌المللی عمل کنند، مطابق قاعده وفای به عهد، لازم است تا مفاد این

اسناد را عملی سازند. در این راستا، تفسیر مؤثر اجرا می‌شود. در واقع این قاعده توسط رکن استیناف در پرونده بنزین ایالات متحده به شرح زیر توصیف شده است: «مفسر آزاد نیست تفسیری را اتخاذ کند که منجر به کاهش بندها یا پاراگراف‌های این معاهده یا بی‌کاربردی آن گردد، مشابه چنین بیانیه‌ای در بیانیه‌ها در کانادا - ثبت اختراع و جمهوری کره - لبنیات بیان شده است.»

معنای معمولی کلمات مورد استفاده این استاندارد تفسیر از اهمیت بالایی برخوردار است. شاید جای تعجب داشته باشد که مراجعه به فرهنگ لغت انگلیسی آکسفورد و واژه‌نامه‌های وبستر در سازمان تجارت جهانی چندان مرسوم نیست. با این حال، گزارش‌های اخیر نشان می‌دهد که پانل‌ها هنوز هم برای تفسیر به فرهنگ لغت متکی هستند، در مواردی که توافق‌نامه تریپس سازوکار داخلی برای تفسیر معنای آن نداشته باشد، ممکن است از سازوکارهای دیگری، یعنی «قواعد عرفی تفسیر حقوق بین‌الملل عمومی» استفاده شود (بریستو، ۲۰۰۱ م.). از طرفی در پرونده صندوق پستی هند دادگاه استیناف عنوان نمود که شرایط مطلوب برای تفسیر موافقت‌نامه تریپس با اعمال کنوانسیون حقوق معاهدات وین امکان‌پذیر است که مشخص می‌کند که این معاهدات بر اساس مفاد و متون خود با توجه به اهداف مربوطه تفسیر می‌شوند. هندوستان، نه کم‌تر و نه بیشتر، نیاز به تطابق خود با مفاد موافقت‌نامه تریپس داشت (دیماتئو، ۱۹۹۷ م.). در مورد مشابه پرونده کره، پنل حل اختلاف سعی نکرد تا با تکیه بر ماده ۳۱ کنوانسیون حقوق معاهدات حوزه تعهدات کره را تعریف کند، اما مستقیماً به سوابق مذاکرات مراجعه کرد. در هر پرونده، چنین استفاده از کارهای مقدماتی مغایر کنوانسیون حقوق معاهدات است. بنابراین «نمونه خوبی از کارهایی است که پنل‌ها، نباید انجام دهند» (فرانکل، ۲۰۱۴ م.). قطعاً این‌گونه موارد جزء اقدامات نادرست

هیأت‌های رسیدگی بوده، اما نشان از توجه این هیأت‌ها به عناصر تکمیلی مندرج در کنوانسیون وین در تفسیر مقررات سازمان جهانی تجارت است (ایبوت، ۲۰۰۹ م.). هیأت استیناف در پرونده ژاپن - الکل ماده ۳۲ کنوانسیون معاهدات وین را به عنوان تدوین حقوق بین‌المللی عرفی به رسمیت شناخته، با این حال ما با کارهای مقدماتی و شرایط انعقاد معاهده کار داریم، کار مقدماتی ممکن است برای تفسیر مفاد مورد استفاده قرار گیرد که معنای روشنی را بعد از استفاده از وسایل اولیه تفسیر منتقل نمی‌کنند. رجوع مراجع رسیدگی سازمان تجارت جهانی به کارهای مقدماتی دشوار است، چراکه مدارک یا گزارش‌های رسمی و کاملی از زمان مذاکرات سازمان جهانی تجارت و موافقت‌نامه گات وجود ندارد و یا در اختیار نیست، آنچنانکه در دعوی چین و آمریکا در قبال مقیاس تجاری مطلبی در گزارشات اولیه یافت نشد.

در نهایت به عنوان یک نتیجه‌گیری برای این بخش شاید بشود بگوییم ماده ۳۲ بیان می‌کند که زمینه نه‌تنها «متن معاهده که مقدمه و ضائم را نیز شامل می‌شود: ۱- هرگونه توافق مربوط به معاهده که بین کلیه طرف‌های معاهده در ارتباط با انعقاد آن حاصل شده است؛ ۲- هر نوع سندی که طرف‌های دیگر به عنوان ابزاری در رابطه با معاهده پذیرفته شده‌اند. علاوه بر این، عناصر زیر نیز مورد توجه قرار می‌گیرد: ۱- موارد بعدی توافق طرفین در مورد تفسیر معاهده یا استفاده از مفاد آن؛ ۲- هرگونه عمل بعدی در استفاده از معاهده که توافق طرفین راجع به تفسیر آن برقرار می‌کند؛ ۳- هرگونه قواعد مربوط به حقوق بین‌الملل که در روابط بین طرفین قابل اجرا باشد. به نوبه خود، ماده ۳۲ کنوانسیون معاهدات وین تصریح می‌کند که وسایل تکمیلی تفسیر، من جمله کارهای مقدماتی و اوضاع و احوال ناظر بر انعقاد معاهده، فقط در سه سناریو قابل

استفاده است، یعنی وقتی مفسر قصد دارد تفسیر را مطابق با ابزارهای اولیه را تأیید کند، اگر تفسیری که مطابق با چنین معیارهایی حاصل شده است، معنی یک ماده خاص را مبهم یا بی‌مفهوم القا کند یا هر زمان که نتیجه اعمال قاعده اولیه تفسیر «آشکارا نامعقول یا بی‌مفهوم» باشد. سرانجام ماده ۳۳ کنوانسیون معاهدات وین به مواردی می‌پردازد که معاهده به بیش از یک زبان تأیید شده است. در این سناریو، متن توافق‌نامه در هر یک از نسخه‌های آن به همان اندازه معتبر تلقی می‌شود، مگر این‌که خود این معاهده به نحوی دیگر مقرر نماید. اکنون در صورتی که حل اختلاف با استفاده از منابع اصلی و تکمیلی تفسیر غیر ممکن باشد و توافق نشده است که نسخه‌ای از معاهده غالب باشد. مفسر باید «معنایی را که به بهترین نحو متن‌ها را با توجه به هدف و موضوع معاهده سازگار می‌سازد» ترجیح دهد (ماتسوشیتا، ۲۰۰۶ م.).

و- امکان استناد به اصول مندرج در کنوانسیون‌های تجمیع‌شده با تریپس

کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی برای تدوین جامع و مانع اصول معتبر و مسلم مالکیت فکری، اقدام به واردنموندن برخی مواد کنوانسیون‌های برن و پاریس در بطن موافقت‌نامه تریپس نمودند، آنچنانکه وفق ماده ۲ موافقت‌نامه تریپس دول عضو ملزم بر رعایت مواد ۱ تا ۱۲ و ۱۹ کنوانسیون پاریس (۱۹۶۷ م.) و مواد ۱ تا ۲۱ کنوانسیون برن (۱۹۷۱ م.) می‌باشند، توافق‌نامه تریپس شامل قسمت‌های اساسی چندین معاهده مالکیت معنوی چندجانبه دیگر است که مهم‌ترین آن‌ها دو کنوانسیون اصلی است که سازمان جهانی مالکیت معنوی آن‌ها را اداره می‌کند. کنوانسیون برن ۵ (حق چاپ) و کنوانسیون پاریس ۶ (حق ثبت اختراع، طرح‌ها و علائم تجاری)، در نتیجه تفسیر موافقت‌نامه تریپس اغلب شامل

تفسیر آن توافق نامه‌های تلفیقی است (بلانکو، ۲۰۱۰ م.). صلاحیت رسیدگی به اختلافات به موجب ماده ۲۳: ۱ و ۲ موافقت‌نامه حل اختلاف با ادغام سایر مقررات اساسی کنوانسیون پاریس و برن در تریپس می‌باشد و اگر صلاحیت طرح دعوا و رسیدگی وفق کنوانسیون‌های تجمیع‌شده وجود داشته باشد، پس بنابراین استناد به مقررات آن‌ها جهت تفسیر امری پسندیده است. از طرف دیگر نباید این نکته را فراموش کنیم نهاد حل اختلاف، صلاحیت تفسیر توافق‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی را دارد، باید منطبق بر اسناد این سازمان رأی صادر کند. بنابراین به عنوان مثال، راهنمای سازمان بهداشت جهانی در مورد سلامت انسان ممکن است مربوط به تفسیر آن اصطلاحات در توافق‌نامه تریپس باشد، اما سازمان تجارت جهانی بر مبنای سیاست‌های بهداشت جهانی در مورد اختلافات تصمیم نمی‌گیرد (بلانکو، ۲۰۱۰ م.).

هیأت در پرونده محصولات دارویی کانادا بیان می‌کند: جهت اخذ تفسیری صحیح باید افزون بر استفاده از متن و مقدمه موافقت‌نامه تریپس، از کنوانسیون‌های برن و پاریس هم استفاده کرد، البته همواره باید به خاطر داشت که استفاده از این ابزار تنها در چارچوب ماده ۳۲ کنوانسیون وین و در مواقعی صورت می‌گیرد که معانی مبهم یا بی‌مفهوم باشد و یا به نتایجی منجر شود که آشکارا مبهم یا نامعقول است همچنین دیدگاه هیأت برای تفسیر معنی عبارت «محدود» که مورد مناقشه طرفین بود، بدین شکل بود که علاوه بر لحاظ نمودن اصول تفسیر بر اساس کنوانسیون وین، هیأت از سابقه تاریخی شکل‌گیری ماده ۹ کنوانسیون برن و مذاکرات آن نیز استفاده نموده است. هیأت مواد ۷ و ۸ موافقت‌نامه تریپس را مورد توجه قرار می‌دهد و متذکر می‌شود که وجود ماده ۳۰ در کنار ماده ۲۸ نشان می‌دهد که تنظیم و تعدیل ماده ۲۸ بایستی بر اساس

اصول ماده ۳۰ انجام شود و متذکر می‌شود که مفهوم عبارت محدود بر مفهوم مضیق و نه مفهوم موسع دلالت دارد. هیأت در تفسیر معنی عبارت «محدود» هیأت بر مفهوم حقوقی و آثار حقوقی این عبارت تأکید دارد و بر آثار و مفهوم اقتصادی آن توجهی ندارد، اما به هر حال تعیین آستانه تضييع حقوق بسیار مشکل است (ون دام، ۲۰۱۰ م.). ارتباط میان موافقت‌نامه تریپس و کنوانسیون‌های تجميع‌شده در آن را در پرونده موز^۲ نیز می‌توان بررسی کرد. در این پرونده نهاد داوری در گزارش خود ابراز داشت، عضویت اعضای یک معاهده در کنوانسیون دیگر، سبب معافیت آن‌ها از تعهداتشان به موجب معاهدات پیشین نخواهد بود، حتی اگر مشابه آن مواد (با تغییرات اندک) در موافقت‌نامه لاحق پیش‌بینی شده باشد. بنابراین اگر به موجب این کنوانسیون‌ها تعهداتی بر اساس تریپس بر اعضا بار شده باشد، نمی‌توانند به بهانه عضویت در تریپس از الزامات خود (خارج از موافقت‌نامه تریپس) سرباز زنند.

باید دانست که پانل‌ها با حل تعارضات در شفافیت‌بخشیدن به اصول و قواعد حاکم بر مالکیت معنوی بسیار مؤثر بوده‌اند. در موارد زیادی اعضای سازمان جهانی تجارت در تفسیر و استنباط مفاهیم علائم تجاری دچار اختلاف می‌گردند، بدون تردید نظرات پانل‌ها و هیأت استیناف در این‌گونه موارد در روشن‌شدن مفهوم درست، بسیار مؤثر است. به عنوان نمونه در جریان شکایت اتحادیه اروپا علیه آمریکا، در مورد نقض مقررات تریپس در زمینه علائم تجاری، در مورد این‌که آیا بین مالکیت یک علامت تجاری ثبت شده و خود آن تفاوتی وجود دارد یا خیر، اختلاف نظر ایجاد گردید. اتحادیه اروپا معتقد بود که بین این دو تفاوتی جود ندارد. هیأت استیناف ضمن رد اعتراض اتحادیه اروپا نظر داد که اتحادیه اروپا این واقعیت را نادیده گرفته است که بین یک سیستم حقوقی علامت تجاری که در

آن مالکیت بر ثبت علائم متکی است و یک سیستمی که در آن مالکیت بر استفاده متکی است، تمایز حقوقی مهمی وجود دارد. سپس هیأت استیناف بر اساس همین برداشت شکایت اتحادیه اروپا علیه آمریکا مبنی بر عدم رعایت مقررات تریپس را رد نمود و اعلام داشت که در قانون آمریکا حقوق انحصاری علائم تجاری نه بر اساس ثبت، بلکه بر اساس استفاده اعطا می‌گردد و بند ۱ ماده ۶ مقررات تریپس هم برخلاف نظر اتحادیه اروپا، کشورها را مکلف به اعطای این حقوق بر اساس ثبت نکرده است. در این پرونده در واقع اختلاف آمریکا و اتحادیه اروپا بر سر مفهوم دقیق بند ۱ ماده ۶ مقررات تریپس بوده است که با اعلام نظر پانل و هیأت استیناف مفهوم درست این ماده روشن گردید. اشتباه هیأت بدوی در آن بود که حوزه مالکیت فکری را تنها محدود به موارد نامبرده در بخش‌های ۱ تا ۷ قسمت دو کرده است. در نهایت از رویه قضایی گات برای تفسیر اصول توافق‌نامه تریپس در مورد رفتار ملی و اصل کامله الوداد استفاده می‌شود، اما پنل‌ها تریپس را در قالب یک قانون خاصی برتری داده و اجرا می‌کنند. این رویکرد در گزارش پانل در پرونده داروسازی کانادا^۴ یافت می‌شود. تعدادی از زمینه‌های مالکیت معنوی وجود دارد که توافق‌نامه تریپس آن‌ها را پوشش نمی‌دهد. یکی از این موارد واردات موازی محصولات دارای حق چاپ و علامت تجاری است. این بدان معناست که کشورها می‌توانند قوانین خود را ایجاد کنند، اما در این زمینه اصول گات برای آزادسازی حرکت فرامرزی کالاها باید اجرا شود. در این مورد جدادانستن مالکیت معنوی از گات غیر قبل توجیح است. اصول گات همچنین ممکن است در تفسیر برخی از موارد استثنای موافقت‌نامه تریپس قابل استفاده باشد (فرانکل، ۲۰۱۳ م.). مع الوصف، مشکلاتی نیز از این رویه به وجود خواهد آمد، به عنوان مثال ممکن است برای حل و فصل اختلافی در زمینه

کپی‌رایت نیاز به تفسیر یکی از مقررات کنوانسیون برن باشد که در موافقت‌نامه کاربرد دارد، این امر سبب می‌شود که تفسیر مقررات کنوانسیون برن نه در چارچوب اتحادیه برن، بلکه در چارچوب موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی به عمل آید. در چنین موردی ضرورت دارد که یک نوع مکانیزم سازمانی اتخاذ شود تا تضمین نماید که مقررات کنوانسیون برن به گونه‌ای تفسیر شود که با آنچه به طور معمول از سوی خود اعضای اتحادیه برن پذیرفته شده، مغایر یا ناهماهنگ نباشد (ون دام، ۲۰۱۰ م.).

ز- پیروی از رویه قضایی در تفسیر

در تفسیر می‌توانیم به یکی دیگر از منابع ارزشمند، یعنی پیروی از رویه قضایی سابق و میزان تبعیت هیأت حل اختلاف از آرا و رویه‌های موجود در پرونده‌های پیشین استناد کنیم. به عنوان مثال در سال ۱۹۹۶ ایالات متحده دعوی علیه هندوستان، در خصوص ثبت محصولات دارویی مطرح کرد. پس از امریکا اتحادیه اروپا دعوی دیگری ۱۹۹۷، با همان موضوع علیه هندوستان اقامه کرد. اروپا در پرونده خود با توجه به یکسان بودن موضوع، از هیأت خواست رأی پرونده پیشین را در این باره نیز جاری کند. در مقابل سازمان تجارت جهانی مدعی بود که اتحادیه اروپا باید در پرونده در قالب ورود ثالث اقدام می‌کرد، حتی در پرونده‌هایی مانند پرونده ایرلند و اتحادیه اروپا حداکثر هیأت حل اختلاف به صورت در یک رأی واحد در هر دو موضوع بسنده کرد.

در بررسی‌های صورت‌گرفته، پنل مطرح کرد که حتی اگر موضوع مورد رسیدگی یکسان باشد، پنل بدوی و رکن تجدید نظر مقید بر به پیروی از آرای سابق نخواهند بود. بنابراین گزارش هیأت بدوی و استیناف در دعوی آمریکا علیه

هند در خصوص این پرونده لازم‌الاتباع نیست و رسیدگی به این پرونده باید با توجه به ماده (۴) ۱۰ هیأت حل اختلاف سازمان تجارت جهانی در قالب یک جلسه جدید صورت گیرد. بنابراین گزارش هیأت‌ها و نهاد تجدید نظر برای سایر اختلافات و بین طرف‌های دیگر در مورد سایر امور یا طرف‌های مختلف در مورد یک موضوع، لازم‌الاجرا نیست، حتی اگر موضوعات مشابهی از تجارت جهانی مطرح شود، مانند سایر حوزه‌های حقوق بین‌الملل، متأسفانه هیچ مقرره‌ای وجود ندارد که منطبق با آن، احکام قبلی هیأت‌های تجدید نظر و هیأت تجدید نظر را در موارد بعدی الزام‌آور نماید (بشکار، ۲۰۱۵ م.). هرچند برخی نظر داده‌اند که اگر رویه پیشین کاملاً لازم‌الاجرا باشد، به ندرت احتیاج به استناد مطرح خواهد شد. در واقع پرونده‌های گذشته می‌تواند نتیجه احتمالی اختلافات را تعیین کند و یا سبب می‌شود دیگر دعوایی مطرح نگردد و یا قبل از این که به دادخواهی برسند، حل و فصل می‌شود (پئلس، ۲۰۱۵ م.). با این حال، هیأت استیناف در نهایت به نحو دیگری عمل کرد و بیان داشت که در بررسی این پرونده باید به ماده (۴) ۱۰ هیأت حل اختلاف مراجعه کرده، به گزارش پرونده پیشین توجه نمود. هیأت استیناف مستند خود را ماده (۲) ۳ عنوان کرد و به نقش هیأت حل اختلاف سازمان تجارت در برقراری شرایط مساعد و امنیت کاری و نیز ایجاد قابلیت پیش‌بینی در روابط تجاری چندجانبه تأکید نمود (۳۰). در نهایت در پرونده فوق‌الذکر حل اختلاف نحو دیگری عمل کرد، با این حال بخش امور حقوقی سازمان تجارت جهانی و دبیرخانه رکن تجدید نظر، ایده پیروی از رویه قضایی پیشین، را با بیان این مطلب که اگر استدلال ارائه‌شده در گزارش قبلی در حمایت از تفسیر ارائه‌شده سازمان تجارت جهانی باشد، تأیید نموده و بیان می‌دارد که اگر این گزارش از نظر هیأت یا نهاد تجدید نظر در پرونده بعدی اقناع‌کننده باشد، به

احتمال زیاد هیأت یا رکن تجدید نظر آن را تکرار و دنبال می‌کند (ژلیناس، ۲۰۰۵ م.).

نتیجه‌گیری

با مطالعاتی که در خصوص حل و فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی در تفسیر حقوق مالکیت معنوی صورت گرفت، به این نتیجه رسیدیم که نقش رکن حل و فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی، در تفسیر، راهگشا بوده و در رفع اختلاف نظرهای اعضا در پرونده‌های مطروحه درخشان است. امروزه با عنایت به حمایت‌هایی که از مالکیت معنوی در عرصه جهانی و بین‌المللی با وجود مقررات تریپس صورت می‌پذیرد، بهره‌گیری از روش‌های سنتی حل و فصل اختلاف در تفسیر حقوق مالکیت معنوی جوابگو نمی‌باشد، چراکه موافقت‌نامه تریپس از نظم و استحکام بیشتری برخوردار می‌باشد و به همین جهت به روش‌های سنتی برتری دارد، البته افزودن رکن حل و فصل اختلافات که امروزه نهادینه شده است، محصول ابتکار هیأت‌های مذاکره‌کننده کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه عضو «سازمان جهانی تجارت» در طی یک دوره ده ساله در اوروگوئه می‌باشد که بر اساس انگیزه‌های سیاسی و اقتصادی مقررات بعضی از موافقت‌نامه‌های چندجانبه بین‌المللی همانند «گات» را به حمایت از موضوعات مالکیت‌های معنوی پیوند زده و نظام حل و فصل اختلافات مربوط به آن موافقت‌نامه‌های اقتصادی را به حمایت بین‌المللی از حقوق مالکیت‌های معنوی تسری داده‌اند. با ظرفیت‌ها و توانمندی‌هایی که در شورای تریپس وجود دارد، این امکان فراهم است که رکن حل و فصل و یا شورای تریپس بتواند نقشی همچون دیوان عالی کشور در ایجاد وحدت رویه را بازی کند، چراکه مطرح‌شدن وحدت رویه می‌تواند باب مراجعه مجدد به رکن را تقلیل داده و طرفین را تاحدی با فرجام دعوای یا حداقل بخشی از نتیجه رأی آشنا کند، هرچند در این جهت گام‌های ارزشمندی در عرصه بین‌المللی برداشته شده است، لیکن می‌طلبد یک کد یا قانون رفتاری و

یک اعلامیه تفسیری صادر شود تا کشورها و ارکان حل و فصل اختلاف با در نظر گرفتن این قوانین رفتاری و تفسیری به دعاوی رسیدگی کرده و در باب شفافیت و رفع ابهام از کلیه مباحث مبهم گام بردارند. همچنین در باب تفسیر اسناد تحت پوشش تریپس بهتر است مکانیزمی پیش‌بینی شود تا با لحاظ شرایط و مقررات اسناد فوق تفسیر انجام شود، چراکه شاید تفسیر به سبک سازمان تجارت جهانی در مغایرت با اسنادی چون کنوانسیون برن و پاریس باشد.

پی‌نوشت‌ها

۱. ماده ۳۲ کنوانسیون وین حقوق معاهدات ۱۹۶۹. وسایل تکمیلی تفسیر؛ از وسایل تکمیلی تفسیر، من جمله کارهای مقدماتی و اوضاع و احوال ناظر بر انعقاد معاهده می‌توان به منظور تأیید معنای متخذ از اجرای ماده ۳۱ و با تعیین معنای معاهده در صورتی که تفسیر آن طبق ماده ۳۱: ۱- معانی مبهم یا بی‌مفهوم القا کند؛ ۲- منجر به نتیجه‌ای شود که آشکارا بی‌مفهوم یا نامعقول باشد، استفاده نمود.

2. Non Discrimination

۳. بر اساس ماده ۲ بند ۷ تفاهم‌نامه، هیأت‌های حل اختلاف مکلف هستند در مورد دعاوی مربوط به موافقت‌نامه‌های تحت پوشش، مقررات آن‌ها را مورد توجه و استناد قرار دهند.

4. Principle of Good Faith

5. Principle of Proportionality

6. Eu Banana Case

7. Canada Pharmaceuticals

فهرست منابع

الف - فارسی:

- انصاری، اعظم. حاجیان، محمدمهدی. (۱۳۹۴ ش.). اصول حقوقی و تفسیر مقررات سازمان جهانی تجارت. فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی. دوره چهارم، شماره چهاردهم، صص ۵۱-۲۹.
- آقایی، محمد. (۱۳۹۲ ش.). آثار حقوقی اصول بنیادین سازمان جهانی تجارت بر بهره‌برداری و عرضه جهانی نفت. تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی، ص ۱۶۳.
- بزرگی، وحید. فتحی‌زاده، امیرهوشنگ. سیدی، میرهادی. (۱۳۹۴ ش.). حقوق مالکیت فکری در سازمان تجارت جهانی. تهران: انتشارات میزان، ص ۲۳۰.
- جرویس، دانیل. (۱۳۹۵ ش.). موافقت‌نامه تریپس تاریخچه تدوین و تحلیل مواد. مترجم رضا شکوهی‌زاده. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ص ۴۶۱.
- ساعدی بناب، بهزاد. (۱۳۷۸ ش.). حل و فصل اختلافات در سازمان تجارت جهانی. تهران: انتشارات مجد، ص ۷۴.

- صادقی، محسن. گلیپایگانی، نرگس. (۱۳۹۳ ش.). شناسایی اصول تفسیر تریپس در هیأت حل اختلاف سازمان تجارت جهانی. *مجله حقوق تطبیقی*. دوره اول، شماره پنجم، صص ۱۷۰-۱۵۵.
- عزیزی مرادپور، حمید. (۱۳۹۱ ش.). تأملی بر ماده ۳۰ موافقت‌نامه تریپس و درس‌هایی از رویه قضایی سازمان جهانی تجار. *پژوهش حقوق خصوصی*. سال اول، شماره اول، صص ۱۵۶-۱۲۹.
- کمیلی‌پور، علی. (۱۳۹۴ ش.). قوانین و کنوانسیون‌های مرتبط با حقوق تجارت بین‌الملل. تهران: انتشارات جنگل، صص ۱۵۶، ۷۶۴-۷۵۶.
- منفرد، مهوش. (۱۳۹۴ ش.). تعارض اصل حمایت از اختراعات دارویی و حقوق بشر - تفسیر حقوقی ماده ۲۷ موافقت‌نامه پاریس. *فصلنامه علمی - پژوهشی حقوق پزشکی*. دوره نهم، شماره چهارم، صص ۱۸۷-۱۵۱.
- میرزایی رضوان، زهرا. (۱۳۹۴ ش.). مقیاس تجاری بر مبنای تریپس با تکیه بر دعوای آمریکا علیه چین در سازمان تجارت جهانی. قم: دانشکده حقوق دانشگاه قم، صص ۱۰۲-۶۵.

ب - لاتین:

- Abbot, F. (2009). Seminario para jueces sobre tendencias recientes en materia de propiedad intelectual con particular énfasis en la industria farmacéutica Hotel "La Barcarolle", Prangins. *Suiza*. 27(9): 1-12.
- Beshkar, M. Chilton, A. (2015). Revisiting Procedure and Precedent in the WTO: An Analysis of US-Countervailing and Anti-Dumping Measure China. *Coase-Sandor Working Paper Series in Law and Economics*. 7(28): 1-18.
- Blanco, M. (2010). The Interpretation of the WTO Agreement Sebastián, Univ. Estud. *Bogotá Colombia (enero-diciembre)*. 19(7): 95-120.
- Bristow, D. Seth, R. (2001). Good Faith in Negotiations-Canadian Courts Are Moving Toward an Acceptance of the Duty to Negotiate in Good Faith as a Minimal Standard of Behavior. *Dispute Resolution Journal*. 55(4): 12-27.
- Dimatteo, L. (1997). An International Contract Law Formula: The Informality of International Business Transactions Plus the Internationalization of Contract Law Equals Unexpected Contract

- Liability. *Syracuse Journal of International Law and Commerce*. 23(5): 83-98.
- Frankel, S. (2013). *The Path To Purpose-Driven Trips Interpretation: A Hermeneutic Of International Intellectual Property*. Birmingham: Gat Publications, 2.
- Frankel, S. (2011). The Applicability of GATT Jurisprudence to the Interpretation of the TRIPS Agreement. *Victoria University of Wellington Legal Research Paper*. 33(8): 12-25.
- Frankel, S. Gervais, D. (2013). Plain Packaging and the Interpretation of the TRIPS Agreement. *Vanderbilt Journal of Transnational Law*. 4(1): 1149-1214.
- Frankel, S. (2014). The WTO'S Application of the Customary Rules of Interpretation of Public International Law to Intellectual Property. *Virginia Journal of International Law*. 46: 38.
- Gelinas, F. (2005). Dispute Resolution as Institutionalization in International Trade and Information Technology. *Fordham Law Review*. 74(15): 489-494.
- Koutrakos, P. (2010). The Interpretation of Mixed Agreements. In: Hillion, *Mixed Agreements Revisited - The EU and its Member States in the World*. Cambridge: Hart Publishing, 116.
- Lester, S. Bacchus J. (2019). Of Precedent and Persuasion: The Crucial Role of an Appeals Court in WTO Disputes. *Free Trade Bulletin*. London: Publishers Pearson Education, 74.
- Matsushita, M. Schoenbaum, T. Mavroidis, P. (2006). *The World Trade Organization: Law, Practice and Policy*. Oxford: Oxford University Press, 52.
- Mercurio, BC. Tyagi, M. (2010). Treaty Interpretation in WTO Dispute Settlement: The Outstanding Question of the Legality of Local Working Requirements. *Minnesota Journal of International Law*. 19(2): 301-323.
- Morovat, M. (2015). Effective Contexts in Determining the Responsibilities of WTO Members. *International Law Journal*. 51(8): 201-217.

- PELC, K. (2014). The Politics of Precedent in International Law: A Social Network Application. *American Political Science Review*. 18(3): 547-564.
- Raiisi, L. (2010). Intellectual Property Dispute Resolution System. Tehran: Jungel Publication, 109.
- Slade, A. (2016). The Objectives and Principles of the WTO TRIPS Agreement: A Detailed Anatomy. *Osgoode Hall Law Journal*. 53(3): 76-97.
- Van Damme, I. (2010). Treaty Interpretation by the WTO Appellate Body. *The European Journal of International Law*. 21(9): 13-21.

یادداشت شناسه مؤلفان

علی کمیلی پور: دانشجوی دکتری رشته حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده علوم انسانی و حقوق، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

لیلا رئیسی: دانشیار گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده علوم انسانی و حقوق، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. (نویسنده مسؤل)

پست الکترونیک: raisi.leila@gmail.com

مسعود راعی: دانشیار گروه حقوق، دانشکده حقوق و الهیات، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

WTO Dispute Settlement Approach in Interpreting Intellectual Property Rights with Emphasis on Jurisprudence

Ali Komeylipour

Leila Raisi

Masoud Raei

Abstract

Background and Aim: Differences in countries' perceptions of intellectual property rights, arising differences in the dispute settlement body of this organization and ambiguities in the interpretation of the articles of the TRIPS Agreement, raise the need to clarify the criteria for interpretation of intellectual property rights. In fact, the benefit of a cohesive structure and efficient working methods has revolutionized the international community, which has never experienced such a situation in the field of settlement of dispute resulting from the implementation of international intellectual property law. Our aim in this study is to explain the WTO dispute settlement body in the interpretation of intellectual property rights.

Method: This research has been prepared and compiled in a descriptive-analytical manner and in a library method with the help of taking notes from valid books and articles.

Results: The findings indicate that; The WTO settlement of dispute body has regularly used the Convention on the Law of Treaties (1969) as a parent document, among other methods, to interpret agreements under the auspices of the WTO.

Ethical Considerations: From the beginning to the end of the article, ethical principles, honesty and fidelity have been observed.

Conclusion: This systematic and coherent approach to resolving disputes in the international arena, especially in the interpretation of intellectual property, has been instrumental in identifying the WTO Settlement of dispute body's interpretation method. A good guide for countries to strengthen the law as much as possible, in the first step to prevent any dispute and in case of arising a conflict, in the next step, to increase the potential for success in dispute resolution.

Keywords

Settlement of Dispute, World Trade Organization, Case Law, Interpretation